

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی دربارهٔ جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بِنَمَا به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۴۸) چراغِ تابناک

از آن آشنا پرسیدم:

- اگر جهان بینی توحیدی، از سوی "او"، از طریق پیامبران و متون مقدس، در اختیار انسان قرار می گیرد،

پس این همه فیلسوف و عارف موجود در این جهان در این باره چه می گویند و در این زمینه چه نقشی بر

عهده دارند؟

آیا گفته های ایشان هم می تواند ما انسان ها از سیاهچالِ جهانِ مان برهاند؟

فرمود:

- هرگاه در رابطه با مقوله جهان بینی توحیدی راستین، حساب شارحان و مفسران صادق و مخلص آن را از مدعیان جدا کنیم، عارف نمایان و فلسفه بافان ی باقی می مانند که در کلام خود آسمان و ریسمان را به هم می بافند و آن را به جای ریسمان رهایی بخش به خورد مردم می دهند.

جالب آن که برخی از اینان، گاهی، خودشان هم از گفته هایشان، که نوعی بازی فریبنده با کلمات است، سر در نمی آورند و حتی از وجود تناقض در کلام خویش بی خبرند.

افزود:

- به شما قویاً توصیه می کنم مراقب باشید که شباهت لفظی و ظاهری سخنان این عوامفریبان با کلام آسمانی شما را نقریبید.

مبادا ریسمان ساحران و عصای موسی (ع) را با هم اشتباه بگیرید.

پرسیدم:

- چگونه می توان این دو را از هم باز شناخت؟

پاسخ داد:

- جهان بینی توحیدی راستین، معیار تشخیص این دو از یکدیگر است.

گفتم:

- شما از یک سو می فرمایید که

برای تشخیصِ ریسمانِ آسمانیِ حقیقی از صورت هایِ جَعَلیِ آن، باید از جهانِ بینیِ توحیدیِ راستین کمک

گرفت؛

و از سویِ دیگر فرموده اید که

برای رسیدن به جهانِ بینیِ توحیدیِ راستین می بایست به ریسمانِ آسمانیِ حقیقی متوسل شد.

این که یک دورِ تَسَلُّسُل و باطل است.

و پرسیدم:

- آیا این دو، معادلِ یکدیگر اند؟

فرمود:

- جهانِ بینیِ توحیدیِ راستین (حکمت)، بیشتر ثمرهٔ تمسک و توسل به ریسمانِ آسمانیِ حقیقی و رشته

ای از آن است؛ نه دقیقاً معادلِ آن و یا جایگزینِ آن.

افزود:

- وقتی یک چراغ را روشن می کنید، آن چراغ، در اثرِ روشنایی اش، همزمان با نشان دادنِ خود، با زدودنِ

تاریکی ها، شما را به دیدنِ دیگر اشیاء نیز قادر می سازد.

تمامی پدیده هایِ متعلق به ساحاتِ حقیقت، سِرَاجِ مُنیر (چراغِ تابناک) اند؛ هم روشن اند و هم روشنایی

بخش.

از این رو

ریسمانِ آسمانیِ راستین و ثمرهٔ آن (حکمت) نیز، به عنوانِ پدیده هایِ حقیقی، همچون چراغ هایِ تابناک

اند که هم مؤیدِ صحتِ خود اند و هم مَعْرِفِ اَشْکَالِ باطل.

ادامه داد:

- اما

روشن شدن چراغ حکمت (جهان بینی توحیدی راستین) در دل یک انسان به دست خود او نیست.

فرد باید آن را از "او" بطلبَد

و همچنین

با تمسک و توسل به ریسمان آسمانی و اجرای فرامین الهی در حد توان

و نیز با

پندار و گفتار و کردار همسو و همساز با ریسمان الهی و بر پایه ایمان به "او"

نشان دهد که استحقاق آن را دارد، تا،

به خواست و بنا بر سنت لایزال عدل "او"،

متناسب با شایستگی اش، بهره ای از حکمت به وی عطا گردد.

فرمود:

- ضمناً آن چه که شما آن را دور باطل نامیده اید، به دو صورت می تواند از میان برداشته شود:

یکی زوال تدریجی، و دیگری محو ناگهانی.

افزود:

- اگر در اثر

تمسک و توسل به ریسمان آسمانی و اجرای فرامین الهی در حد توان

و یا به خاطر

پندار و گفتار و کردار همسو و همساز با ریسمان الهی و بر پایه ایمان به "او"

به یک شخص، متناسب با استحقاق اش، بهره ای از خرد و حکمت ارزانی شود

و او در جهت تکمیل مشی های فکری و عملی جاری و آتی خود، از آن خرد و حکمت اعطایی، به نحو بهینه،

استفاده کند و از این طریق به شایستگی های افزون تری دست یابد،

آنگاه، به خواست "او" و بنا بر سنت لایزال عدل "او"،

به تدریج و به همان نسبت، خرد و حکمت بیشتری به وی داده می شود

و به این ترتیب، با پیمودن این راه به صورت گام به گام، برای او، آن دور باطل ظاهری، اندک اندک، از میان

می رود.

پرسیدم:

- محو ناگهانی آن دور باطل چگونه روی می دهد؟

پاسخ داد:

- در اثر معجزه الهی.

با تعجب گفتم:

- معجزه؟! پس در این میان چه بر سر آن سنت بی تغییر و لایزال الهی می آید؟

فرمود:

- گرچه

به چشمِ سر، اعجاز، جلوه ای غریب و نادر از سنتِ لایزالِ "او" و یا حتی نقضِ آن به نظر می رسد

اما در حقیقت چنین نیست، چون اگر با چشمِ دل به هستی بنگرید، می بینید که

تمامی پدیده ها و رویداد های ظاهراً عادی و آشنا و مبتنی بر سنتِ رایج و همیشگیِ "او"، در هر سطح و

به هر شکل، همگون و همتراز با معجزه اند.

ادامه دارد